

روش در علوم اجتماعی
از دیدگاه پوزیتیویسم، مکتب تفهیمی و
فلسفه اسلامی

قلم ابراهیمی پور

مرکز بین المللی
ترجمه و نشر
المصطفی ﷺ

ابراهیمی پور، قاسم، ۱۳۵۲ -	سرشناسه:
روش در علوم اجتماعی از دیدگاه پوزیتیویسم، مکتب تفهیمی و فلسفه اسلامی / قاسم ابراهیمی پور.	عنوان و نام پدیدآور:
قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع)، ۱۳۹۴.	مشخصات نشر:
۲۶۳ ص: جدول.	مشخصات ظاهری:
۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۹۶۲-۵	شابک:
فیبا	وضعیت فهرست نویسی:
کتابنامه.	یادداشت:
Durkheim, Emile, ۱۸۵۸ - ۱۹۱۷ م؛	موضوع:
دورکم، امیل، ۱۸۵۸ - ۱۹۱۷ م؛	موضوع:
وینچ، پتر، ۱۹۲۶ - م؛	موضوع:
طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ - نقد و تفسیر	موضوع:
فلسفه و علوم اجتماعی؛ اثبات‌گرایی؛ جامعه‌شناسی اسلامی	موضوع:
فلسفه اسلامی	موضوع:
جامعه المصطفی (ع) العالمية.	شناسه افزوده:
مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع)	رده بنای کنگره:
۱۳۹۴ ۱۳۹۴ الف/ب۶۳	ردیف:
۱۰۳	شماره:
۴۰۴۲۱۵	شماره ملی:

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

روش در علوم اجتماعی، دیدگاه پوزیتیویسم، مکتب تفهیمی و فلسفه اسلامی
مؤلف: قاسم ابراهیمی پور
چاپ اول: ۱۳۹۴ / ۱۴۳۷
ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع)
● چاپ: نارنجستان ● قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ر. ● شمارگان: ۳۰۰ نسخه

باسپاس از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری دادند.

مراکز پخش

قم، چهارراه شهدا، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸، تلفکس: ۳۷۸۳۹۳۰۵/۹ - ۲۵
قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه، تلفن: ۳۲۱۳۳۱۰۶ - ۲۵ - فکس: ۳۲۱۳۳۱۴۶ - ۲۵
قم، مجتمع ناشران، طبقه سوم واحد ۳۰۸، تلفن: ۳۷۸۲۲۴۰۲ - ۲۵

pub.miu.ac.ir miup@pub.miu.ac.ir

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این رو مطبوعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، با استناد به ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگی حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیبه به‌ویژه مبارز بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می‌باشد.

«جامعة المصطفیٰ (ص) العالمية» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی (ص) «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ (ص)» را تأسیس کرده است.

در پایان لازم می‌دانیم تأسس و به‌عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفیٰ (ص)

فهرست

۹	کلیات
۱۷	مفاهیم کلیدی
۱۷	علم
۲۰	علوم اجتماعی
۲۲	فلسفه علم
۲۵	فلسفه علوم اجتماعی
۲۶	روش‌شناسی
۳۱	۱. مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی دورکیم وینچ و علامه
۳۱	اثبات‌گرایی
۳۴	مراحل دستیابی به قانون از دیدگاه اثبات‌گرایان
۳۹	امیل دورکیم (۱۸۵۸ - ۱۹۱۷)
۳۹	۱. مبانی هستی‌شناختی دورکیم
۴۲	۲. موضوع علوم اجتماعی از دیدگاه دورکیم
۴۴	۳. مبانی معرفت‌شناختی دورکیم
۴۷	۴. روش‌شناسی دورکیم
۵۲	۵. مبانی انسان‌شناختی دورکیم
۵۸	۶. نقد دورکیم
۶۱	مکتب تفهیمی

۷۶	پیترو وینچ (۱۹۲۶).....
۷۶	۱. مبانی هستی‌شناختی وینچ.....
۷۸	۲. موضوع علوم اجتماعی از دیدگاه وینچ.....
۸۲	۳. ماهیت رفتار منطقی.....
۸۳	۴. مبانی معرفت‌شناختی وینچ.....
۸۶	۵. تفاوت علوم طبیعی و علوم اجتماعی از دیدگاه وینچ.....
۹۱	۶. روش از دیدگاه وینچ.....
۹۳	۷. مبانی انسان‌شناختی وینچ.....
۹۷	واقع‌گرایی انتقادی صدرایی.....
۹۸	علامه طباطبائی (۱۳۶۰ - ۱۲۸۱).....
۹۹	۱. مبانی هستی‌شناختی علامه طباطبائی.....
۱۰۰	الف) تقسیم موجودات و عوالم.....
۱۰۱	ب) سطح پدیدارها.....
۱۰۴	ج) اعتباریات.....
۱۰۶	د) اصالت فرد یا جامعه.....
۱۰۹	۲. مبانی معرفت‌شناختی علامه طباطبائی.....
۱۱۲	۳. منابع و ابزار معرفت.....
۱۱۳	الف) حس.....
۱۱۴	ب) عقل.....
۱۱۵	ج) خیال و وهم.....
۱۱۶	د) شهود و مکاشفه.....
۱۱۷	هـ) وحی.....
۱۱۷	و) حدس و الهام.....
۱۱۸	ز) نقل.....
۱۱۹	۴. رابطه منابع معرفتی با یکدیگر.....
۱۲۰	۵. طبقه‌بندی علوم از دیدگاه علامه.....
۱۲۲	۶. مبانی انسان‌شناختی علامه.....
۱۲۲	الف) وحدت نوعی.....

۱۲۳	ب) حقیقت انسان
۱۲۴	ج) اجتماعی بودن انسان
۱۲۵	د) انسان موجودی هدف‌دار
۱۲۶	ه) انسان موجودی آسایش‌جو
۱۲۷	و) مهار افزون‌خواهی انسان
۱۲۹	۲. نظریه، عناصر و ارکان آن
۱۳۱	الف) اصل نظریه
۱۳۲	ب) مفاهیم
۱۴۶	۲. قضایا
۱۵۴	مبانی نظریه
۱۶۴	ارکان نظریه
۱۶۴	۱. آزمون‌پذیری
۱۶۸	۲. تبیین
۱۶۹	۳. پیش‌بینی
۱۷۱	۳. انواع نظریه
۱۷۳	نظریه‌های تجربی
۱۷۵	نظریه‌های عقلی
۱۷۸	۱. نظریه انقلاب
۱۸۰	۲. نظریه کنش
۱۹۵	۳. نظریه‌های برخاسته از شهود
۱۹۸	الف) نظریه نظم
۱۹۹	ب) نظریه تضاد
۲۰۰	ج) سنت‌های الهی
۲۰۳	۴. نظریه‌های انتقادی
۲۰۵	۵. نظریه‌های هنجاری
۲۰۷	سطوح نظریه
۲۱۰	گام اول: تفسیر رفتار معنادار
۲۱۲	گام دوم: بررسی هدف کنش

۲۱۳	گام سوم: بررسی شایستگی اعتباریات برای دستیابی به اهداف
۲۱۴	گام چهارم: تبیین پیامدهای تکوینی کنش
۲۱۹	گام نهای: تأویل پدیده‌های اجتماعی
۲۲۳	نتیجه‌گیری
۲۵۳	کتابنامه

کلیات

مقدمه

در طول تاریخ، بشر برای تبیین و توضیح پدیده‌های طبیعی و اجتماعی نظریه‌های گوناگونی پدید آورد. سنتی که شروع این نظریه‌پردازی را یونان باستان می‌دانند. این دوره با سفر افلاطون (۳۹۹ پ.م.) آغاز می‌شود و با شاگردش افلاطون، و پس از آن ارسطو در آتن ادامه می‌یابد. مرکز علم پس از مدتی به اسکندریه منتقل می‌شود و تا قرن چهارم هجری ادامه می‌یابد، اما در سال ۵۲۹ میلادی به دستور امپراتور روم شرقی مدارس علم و فلسفه در آتن و اسکندریه تعطیل شدند و چراغ فلسفه در این منطقه خاموش شد. در این دوره، فلسفه اسم عامی برای همه علوم حقیقی که با در دسته نظری و عملی تقسیم می‌شد.^۱

بعد از آن در شرق، فارابی و ابن سینا پس از آموختن افکار فلسفی، نظام فلسفی جدیدی پی ریختند که افزون بر افکار افلاطون، ارسطو، نوافلاطونیان اسکندریه و عرفای شرق، دربرگیرنده اندیشه‌های جدیدی نیز بود اما به علت

۱. مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ۲۶ و ۲۷.

اقتباس فراوان از ارسطو، فلسفه ایشان صبغه ارسطویی و مشایی داشت. پس از آن سهروردی با بازیینی نقادانه غزالی، بغدادی و رازی، مکتب اشراق را بنیان نهاد که بیشتر صبغه افلاطونی داشت. سرانجام قرن‌ها بعد صدرالدین شیرازی، ایستاده بر شانه‌های که بر دوش مشائیون، اشراقیون، طوسی، دوانسی، دشتکی، بهایی و میرداماد با ترکیب فلسفه مشاء، اشراق و مکاشفات عرفانی طرحی نو در فلسفه در انداخت.^۱ این مکتب تا عصر حاضر زنده و پویا است؛ فیلسوفانی - رن - لاهه طباطبایی رحمته الله علیه از نظریه‌پردازان این مکتب بود.

برخی معتقدند در مکاتب فلسفی نامبرده، تبیین پدیده‌های طبیعی و اجتماعی بیشتر^۲ فایس^۳ است؛ در این شیوه پدیده اجتماعی جزئی از کل است و تبیین آن به باری اصول کلی ممکن می‌شود.^۳ در این شیوه علم کل‌گرا، و عاجز از تبیین جزئی است و بیش از آن که عالم را به تغییر جهان توانا سازد، وی را در تفسیر آن یاری کند و بیش از آن که به کشف قوانین (روابط میان پدیده‌ها) شوق نشان دهد، به پدیداری از ماهیات متمایل است.^۴ به سخن دیگر در این دوره به طبیعت پدیده اکتفا می‌شد و از توجه به بستر و شرایط واقعی آن و همچنین تعامل آن با دیگر پدیده‌ها چشم‌پوشی می‌شد.^۵

این دیدگاه درباره شیوه قدیم اشتباه است؛ زیرا هیچ‌گاه روش تعقلی محض در مسائل تجربی کارایی ندارد. فلاسفه قدیم، جز با روش تجربی ارزش آشنا بودند، فقط ابزارهای آنان بسیار کم و ناقص بوده است؛ نوشته‌اند ارسطو باغبان بزرگی داشت و خود به آزمایش درباره گیاهان و حیوانات

۱. همان، ۳۰ و ۳۱.

2. Deduction.

۳. رفیع‌پور، ۱۹، ۱۳۶۰.

۴. سروش، ۱۳۶۹، بیست و دو.

۵. همان، بیست و هفت.

می پرداخت.^۱ او با آزمایش حیوانات علم زیست‌شناسی را پی ریخت. همچنین مطالعه او در پوست تخم مرغ و مراحل مختلف رشد جوجه و کنش‌هایی همچون این او را واضع علم جنین‌شناسی کرد.^۲ نمونه دیگر آزمایش‌های بوعلی در طب و خواص داروهای گیاهی است کرد. بر این اساس توجه بیشتر به روش برهانی در این مکتب به علت غفلت از روش تجربی و اعتقاد نبوده بلکه علت آن درک عمیق دانشمندان این دوره از روش تجربی و اشکالات وارد بر آن و اعتقاد آنها به عدم دستیابی به یقین علمی بر اساس این روش است. برای نمونه بوعلی هیچ‌گاه نتایج تجربه را کلی مطلق نمی‌گاشت و دایره تذکر می‌داد که تنها نتیجه تجربه کلی مشروط به ظروف و احوال تجربه و مقابله به قید لولالمانع است.^۳

اگر سقمونیا در روش علمی انس مسهل صفر است و مشاهده، بارها این امر را تأیید کند، نمی‌توان این کمک در دستای بی‌هق هم صادق و نافع تصور کرد. از این رو، تجربه فقط به سبب عدم مشاهدات مفید علم نیست بلکه به کمک قیاس علم آور است. تجربه مفید علم کلی قیاسی و مطلق نیست بلکه مفید کلی مشروط است. در این شیوه، اگر یقین بر مشروط و کلی غیر مفید تجربی هم به دست آید، از تجربه نیست و منبع دیگری دارد.^۳ بر این پایه فلاسفه چند قرن زودتر از تجربه‌گرایان به این کاستی‌ها آگاه بوده‌اند و آن را منبع مناسبی برای نظریه‌سازی نمی‌دانستند. از این رو، روش برهانی را برجسته می‌کردند که می‌تواند از مقدمات تجربی هم بهره ببرد. در قرن سوم هجری (نهم میلادی)، ده قرن پیش از آگوست کنت،

۱. مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ۸۸.

۲. دورانت، ۱۳۷۴، ۶۷.

۳. بوعلی، ۱۳۸۶، ۲۷۵.

فارابی (۲۵۹ - ۳۳۹ ه. ق) علمی جدید برای مطالعه جامعه پی ریخت بی آن که تأسیس آن را از خود بداند. او در تحصیل السعادة^۱ عبارت «العلم الانسانی» را به کار می برد و می گوید:

انسان در مسیر تکامل، نیازمند زندگی اجتماعی است. از این رو او را حیوان مدنی نامیده اند.

در این جا علم دیگری پا می گیرد؛ علم بررسی و مطالعه مبادی عقلانی، افان و حاستگاه های تکامل انسان. فارابی این علم را علم انسانی یا علم مای نامید. او ویژگی های این علم را در فصل پنجم از کتاب احصاء العلوم بیان، و در کتب دیگر خود همچون آراء اهل مدینه فاضله و سیاست مدینه به تفصیل در این بار بحث می کند. از نظر فارابی علم مدنی به مطالعه رفتار، منشا رفتار، هدف، ملکات شایسته، شیوه های اصلاح رفتار، شرایط پایداری رفتار و پیشدهای رفتار می پردازد.

پنج قرن پس از او ابن خلدون (۷۳۲ - ۸۰۸ ه. ق) العبر را می نویسد. او در مقدمه آن کتاب علم عمران را بنیان نهاد و درباره آن می نویسد: در میان دانش ها، روش و الملوب ان، آشکار کردم و دایره آن را در میان علوم توسعه بخشیدم و گره ان را بوار کشیدم و اساس آنرا بنیان نهادم.^۲

او سوگند یاد می کند که این علم را او وضع کرده است: و سوگند یاد می کنم که من آگاه نشده ام هیچ کس در ماصد این سخن براند.^۳

پنج قرن پس از ابن خلدون، آگوست کنت (۱۷۹۸ - ۱۸۵۷) در اروپا

۱. تحصیل السعادة، ص ۴۶، ذیل عنوان العلم المدنی.

۲. ابن خلدون، ۱۳۶۹، ۹.

۳. همان، ۷۰.

طرح علمی جدید را در انداخت. وی ابتدا این علم را فیزیک اجتماعی نامید تا تأکید کند این علم درباره چستی جهان اجتماعی مطالعه می‌کند، اما در نهایت، به ناگزیر واژه ترکیبی لاتینی-یونانی Sociology را برگزید؛ به معنای جامعه‌شناسی.^۱ او به پیروی از تجربه‌گرایی قرن هفدهم این علم را بر پایه روش‌های متداول علوم تجربی طبیعی در آن دوره بنیان نهاد و علم را بسیار بالاتر از دین و فلسفه نشاناد. او دین را خرافه، و فلسفه را جعل خواند. دورکیم مکتب فلسفی کنت را پی گرفت و آراء او بر جوامع علمی سایه انداخت، اما دیری نباید که با نقدهای فراوانی رو در رو شد.

در همان زمان به بلهلم دیلتای به تفاوت علوم طبیعی و علوم اجتماعی توجه کرد. مکتب تفهمی را پی ریخت و ماکس وبر آن را پیش برد. وینچ نیز با یابی از آراء فلسفی ویتگنشتاین دوم آن دیدگاه‌ها را تکمیل و ترمیم کرد و بیشتر رد؛ حرکت کاروان علم در این جا ختم نشد و در مغرب زمین مکاتب فراوان دیگری همچون پدیدارشناسی، مکتب انتقادی، پراگماتیسم و رئالیسم انتقادی و نظریه‌های پساتجدد فوکو، لیوتار و دریدا سر بر آوردند.

در مشرق زمین نیز با علم در چهلرچوب رویکردهای مختلف فلسفی، عرفانی، فقهی، تاریخی، تفسیری، کلامی و حدیثی به حرکت خود ادامه داد و مسیری دیگر را پیمود که البته با علم غربی تعامل پررنگی نیز داشته است. برای نمونه بیت‌الحکمه در سال ۲۱۷ هجری قمری برای ترجمه علوم یونانی برپا شد. در این دوره اندیشمندانی همچون فارابی با رویکردی فعال و گزینشی علم را از یونان گرفتند و با پالایش آن فلسفه اسلامی را پی ریختند. در پایان قرون وسطی جهت این جریان تغییر

می‌کند. در این دوره غرب با رویکردی فعال و گزینشی علم را از مسلمانان می‌گیرد و با پالایش آن، علم متجدد را بنیان می‌نهد. سرانجام پس از چند قرن، در عصر ما دوباره این جهت تغییر کرده و شاهد ورود علم از غرب به جوامع اسلامی ایم؛ اما این مرحله تفاوت‌های مهمی با مراحل قبل دارد. در این عصر رویکرد ما به این علوم منفعل بود. ما این علوم را گزینش و پالایش نکردیم و این علوم بدون ارزیابی ترجمه شدند. جوامع اسلامی پای گذاشتند و مبانی خود را نیز به عرصه فرهنگ با خود آوردند. این حرکت انفعالی و ناآگاهانه رفتاری علمی و فرهنگی فراوانی را به وجود آوردند که اندیشمندان مختلف را به طرح آرا متفاوت در مقابل آن واداشت. است.

برخی علم را بی‌طرف می‌دانند و خواهان پذیرش علوم غربی‌اند. برخی دیگر علوم غربی را رنگ بر مردود می‌دانند و بازگشت به شیوه سلف صالح را پیشنهاد می‌کنند، و دست سوم به نقد و بررسی علم جدید، و تلفیق آن با میراث و فرهنگ اسلامی معتقدند. در این میان اسلامی‌سازی علوم با موافقان و مخالفان فراوان، مهم‌ترین این آراست. این نوشتار بدون ورود به این مباحث با مطالعه روش‌شناسی دورکیم نماینده اثبات‌گرایی، وینچ، نماینده مکتب تفهیمی و علامه طباطبایی نماینده فلسفه اسلامی، توانایی‌ها، قوت‌ها و ضعف‌های فلسفه اسلامی را در بطن علوم اجتماعی را بررسی می‌کند.

دورکیم با رویکرد طبیعت‌گرایانه و تأثیر شگرف در جامعه‌شناسی به اعتراف بسیاری از جامعه‌شناسان، از مهم‌ترین افرادی است که چهارچوب نظریات جامعه‌شناسی را برپا کرده و بنیان‌گذار جامعه‌شناسی معاصر است.^۱

او همچنین در مردم‌شناسی، تاریخ‌شناسی و زبان‌شناسی تأثیر بسزایی داشته است.^۱ وینچ را با رویکرد ضد طبیعت‌گر نقطه مقابل دورکیم است. او در همه مراحل کار به روش تفهیمی وفادار بوده است.

علامه طباطبایی نیز با پیگیری، بررسی و نقد علوم اجتماعی متجدد و مباحث اجتماعی دیدگاهی ارزشمند دارد. گفتنی است مقصود این نوشتار بررسی آثار سه اندیشمند نامبرده است اما به فراخور بحث از اندیشه دیگر ممکن مکاتب فوق نیز بهره برده است. از این رو، با استفاده از روش تطبیقی آرا محران نامبرده را درباره مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی بررسی می‌کند و پس از آن، توانایی فلسفه اسلامی را در تولید انواع نظریه‌های اجتماعی ارزیابی می‌کند.